خارج اصول13

چهارشنبه 10/ 7/ 98

\*اقسام واجب\*

کلام در مقدّمات مفوّته، قسم تعلّم، در عالم اثبات بود. مانعی برای وجوب تعلّم ذکر شد با عنوان استصحاب استقبالی. و اشکالاتی بر این استصحاب عرض شد؛ دو اشکال از محقّق نائینی(استقبالی بودن استصحاب و إباء قاعده ی عقلی از تخصیص)؛ دو اشکال دیگر نیز از محقّق خوئی:

1.علم اجمالی به وجود احکامی در شریعت؛ که گفته شد.[[1]](#footnote-1)

2.عمومات قرآن و حدیث وارد بر این استصحاب اند و موضوع آن را ازبین می برند. زیرا اگر در مورد هر شکّ در ابتلاء و عدم ابتلاء، به استصحاب عمل کنیم، قاعده ی فراغ لغو می شود زیرا همیشه در موارد قاعده ی فراغ، زمینه ی اجراء استصحاب عدمی وجود دارد و تخصیص مستهجن پیش می آید چون مورد زیادی برای این قاعده باقی نمی ماند. در مانحن فیه نیز عمومات آیات و و روایات گرفتار تخصیص مستهجن می شوند زیرا هر مکلّفی در موارد زیادی از احکام شکّ در ابتلاء و عدم ابتلاء دارد مثل احکام شکوک نماز، سهو، نسیان و غیره در نماز، روزه، حج و... .

نکته

مقصود از احکام مبتلابه احکامی است که عادتاً مورد ابتلاءاند؛ ولی احکامی که بصورت شاذ و خیلی کم مورد ابتلاء واقع می شوند(مانند شک بین 2و3و4و5و6) تعلّم آنها واجب نیست؛ زیرا تکلیف به موهوم است و محلّ حکم عقل نیست چون ضرر محتمل نیست.

تنبیهات

تنبیه اوّل

باتوجه به اینکه ملتزم شدیم به وجوب تعلّم در صورت چهارم مطلقا، این وجوب مختصّ به بالغیین می باشد-اگرچه صبی ممیّز بداند که ترک تعلّم، باعث فوت واجبات از او می شود. و الدلیل علی ذلک امور:

1.صبیان قدرت بر اتیان واجبات ندارند زیرا از نظر علمی قدرت در حقّ آنها ناقص است و قدرت ناقص، موضوع تکالیف شرعی نیست.

2.حرمت تفویت واجب بخاطر ترک تعلّم، مختصّ به بالغ است؛ بنابراین صبیان نه استحقاق خطاب دارند و نه ترک آنها تفویت ملاک قبیح است.

3.قاعده ی «التنافی بالإختیار لاینافی الإختیار»، شامل صبی نمی شود زیرا تفویت او تفویت اختیاری شرعی نیست چون شرعاً قادر به انجام تکلیف نیست و بعبارة أخری شرعاً مختار نیست.

4.روایات رفع قلم از صبی، موضوع وجوب تعلّم را از او سلب می کند و بر اساس این روایات ترک صبی، کلاترک است و اثری بر آن مترتّب نیست؛ لذا قاعده ی «التنافی بالإختیار لاینافی الإختیار» و قاعده ی «تفویت ملاک» شامل صبی نمی شود و بدینوسیله زمینه ی مکلّف شدن صبی به وجوب تعلّم ازبین می رود. براین اساس فرمایش محقّق نائینی-به اینکه تعلّم بر صبی واجب است زیرا حدیث رفع حکم عقلی را بر نمی دارد و وجوب تعلّم یک حکم عقلی است-قابل دفاع نیست زیرا گرچه شرع نمی تواند مخصّص حکم عقل باشد لکن شرع می تواند وارد یا زمینه ساز تخصّص باشد؛ یعنی حدیث رفع موضوع حکم عقل را ازبین می برد از باب ورود یا از باب کشف تخصّص؛ به اینصورت که ترک صبی تخصّصاً از حکم عقل خارج است و موضوع حکم عقل، انسان بالغ است.

(پایان)

1. . 1.علم اجمالی به وجود احکامی در شریعت نسبت به موضوعات مختلف، باعث می شود که نتوان در اطراف این علم، اصل جاری کرد زیرا با وجود علم مکلّف به ابتلاء به برخی از احکام در ظرف وجودیِ خاص، این علم اجمالی مانع از اجرای اصلِ نافیِ تکلیف می شود. و اجرای این اصل نافی بر دو قسم است: «اجراء در تمام اطراف علم اجمالی» و «اجراء در برخی اطراف»؛ و هر دو باطل است؛ اولی باطل است زیرا باعث مخالفت قطعیّه ی عملیّه می شود چون باعث ترک بسیاری از واجبات است؛ و دوّمی باطل است زیرا ترجیح بلا مرجّح است. لذا باید قائل شد به وجوب تعلّم مطلقاً. [↑](#footnote-ref-1)